

مستخرجاتی چند از مجموعه‌های بنام خزانه

نامه مرحوم سیدحسن تقی‌زاده

در محرم ۱۳۳۰ ه. ق که آن فاجعه تاریخی در تبریز رخ داد و آن کشت و کشتار صورت گرفت، مرحوم تقی‌زاده، در اسلامبول بود و از آنجا اتفاقات آذربایجان و خراسان و قساوت قشون تزار، خصوصاً قصابی‌های صمدخان شجاع‌الدوله را در تبریز، ضمن نامه‌های متعدد به انگلستان، به‌نشانی و عنوان پرفسور ادوارد براون مینویسد و الحق خدمات بزرگی انجام میدهد.

در نامه‌ای که بتاريخ ۲۲ آوریل ۱۹۱۲ نوشته است، بعد از شکایت از اوضاع آن روز مینویسد: «باری حقیقت این است که خیلی انسان دلتنگ می‌شود و از دنیا و اهل ظالم و منافق آن نجات می‌طلبد، و بدین شعر خیام بی‌اختیار مترنم می‌گردد:

در دایره وجود دیر آمده‌ایم وز پایه برترین به زیر آمده‌ایم
چون عمر نه بر مراد ما می‌گذرد ای کاش سر آمدی که سیر آمده‌ایم

میخواهم با دعای توفیقات عالی ختم مقال کنم، ولی دو فقره عرض خصوصی باقی است که آنها را نیز به عرض رسانیده تصدیق کم و قصه کوتاه می‌کنم. یکی آنکه در شماره مورخ ۲۹ مارچ، از روزنامه انگلیسی «نیر فاست» ملاحظه شد که یک مدرسه السنه شرقیه در لندن، در کار تاسیس شدن است و چون احتمال دادم که بعضی معلمین از زبان فارسی و عربی و یا ترکی بدانجا لازم افتد. لهذا لازم دانستم که یادآوری کنم، که عده‌ای از ایرانیان آواره که بعضی از ادبا و فضلا، نیز می‌باشند، در این جا ماوا گزیده و از جور دشمن از لانه و آشیانه خود سرگردان افتاده‌اند، حاضر ادای این نوع خدمات هستند و بدین واسطه نیز، برای امکان زندگی و رفع احتیاج آنها، وسیله و خدمتی گردد. و حتی خود مخلص نیز حاضریم اگر خدمتی در آنجا پیدا شود و کاری که

* آقای نصرت‌الله فقی از نویسندگان و تاریخ‌نویسان گرانمایه معاصر

اسباب معیشت تواند شد میسر گردد ادا نمایم و به همه حال خواه برای خود و خواه برای سایر آوارگان ایرانی کاری بدست آید، مرهون شکرانه و منت دار الطاف آن دوست مکرم خواهیم بود ...»

مطلب دوم: تقاضای چاپ کتابی رامی کند که یکی از دوستانش درباره تاریخ مطبوعات ایران تألیف کرده بوده است .

کتاب يك كلمه

مرحوم میرزا یوسفخان مستشارالدوله در عهد خود از اعظم آزادیخواهان و روشنفکران بود، در سال ۱۲۷۰ ه. ق. کارپردازی حاجی طرخان را بعهده داشت، در سال ۱۳۱۳ ه. ق.، بر اثر اینکه کتاب مزبور را بسرش زده بودند در تبعید درگذشت . در کتاب مشهور يك كلمه خود ذیل ماده ۱۱ مینویسد:

۱۱- تحریر و نشر اصول دخل و خرج دولت: اگر مخارج دولت معلوم نباشد تعیین مالیات بوجه عدالت میسر نشود و چون اهالی میدانند که مخارج لازمه دولت فلان مقدار است، در ادای آن تعلل نمی‌ورزند، چنانکه ارسطاطالیس گوید احسن سیاست آنست که مؤسس و موجد اخلاق حسنه باشد. پس واجب است که تدابیر دولت به تغییر اخلاق تبعه و اهالی سبب نباشد بلکه به تهذیب و تزئین اخلاق آنها اسباب عمده شود. اکثر تدابیر سیاسیه فرنگستان در تهذیب و تحسین اهالی مدخلیت عظیم دارد و قضیه تعیین مالیات و تحریر خرج از این تدابیر است ...»

نمایندگان دولت ایران در تشییع جنازه «ادوارد هفتم پادشاه انگلیستان»

در ماه جون ۱۹۱۰ میلادی که تاریخ درگذشت ادوارد هفتم بود، مرحوم صمدخان ممتازالسلطنه وزیرمختار پاریس بنمایندگی دولت ایران بلندن رفته و آقایان: فیروز میرزا، جنرال موسی خان، که از فاتحین تهران در انقلاب مشروطه بوده است، و کتابچی خان مستشار حقوقی وزارت امور خارجه ایران، همراه آن مرحوم بودند و مورد احترام شایسته واقع شدند .

حاصل عمر مرحوم اقبال آشتیانی مورخ معروف:

در نامه‌ای که آن مرحوم بتاريخ ۱۸ بهمن ۱۳۲۹ شمسی به پرفسور بوزانی ایتالیائی مینویسد چنین می‌گوید:

پنجاه و سه سال عمر من رفت بیاد

زان جز غم و اندوه نماندست به یاد

خوابی دیدیم سر بسر آشفته

درسی خواندیم بی‌اساس از بنیاد

در تکیه دولت ۱۱ نفر مردند وعده‌ای بیهوش شدند

روز عاشورای محرم سال ۱۳۲۶ ه. ق. لحظه‌ای که محمدعلیشاه قاجار در مقر سلطنت در تکیه دولت قرار گرفت، در فاصله نیمساعت این فاجعه رخ داد که شرح آنرا، از نامه یکی از نمایندگان دوره اول مجلس در اینجا می‌آورم:

«این يك اتفاق عادی است که از تفاعل دربان، امری باین مهمی صورت وقوع یافته است و اعلیحضرت در تکیه مشغول گردش بوده‌اند و گویا رسم بر این است که تاشاه در تکیه مشغول گردش‌اند، مردم را راه‌نمیدهند تاشاه به مقر خویش می‌رود، بعد در را باز می‌کنند، بعد از تشریف بردن شاه به مقر، دربان در را يك دفعه باز کرده جماعتی که در پشت در بتدریج جمع شده و باشندت انتظار، منتظر باز شدن در بوده‌اند و تعداداً به سه چهار هزار میرسیده‌اند، بمجرد باز شدن در هجوم می‌آورند، آنها که در جلو بوده‌اند پایشان به میله‌ای که کارگزارده بودند گیر می‌کند و زمین می‌خورند، عقبی‌ها هم روی آنها می‌افتند، از پشت سر هم کسی خبردار نیست، هی فشار می‌آورند، فراشها و بساول‌ها هر چه داد زدند که مردم هجوم نیاورند، نشد تا اینکه باقمه و قداره مردم را مانع شدند، بالاخره آنها که در جلو بودند، زیر پا له شدند و بعضی بیهوش و بی‌حال، خلاصه قریب ۱۱ نفر مرده‌اند و بیشتری از بیهوشان راطیب آورده بیهوش آوردند...»

نظر پروفیسور براون درباره اصلاحات ایران از طریق اعزام هیئت‌های مبلغین به شهرستانها :

در شصت و چهار سال قبل، شادروان پرفسور ادوارد براون، رساله‌ای خطاب به حجج اسلام عتبات، فتوا دهندگان سه‌گانه برای مشروطیت نوشته، بعد از عذرخواهی از اینکه فارسی و عربی را خوب نمیداند، ضمن پیشنهاد طرق اصلاحات و ایجاد امنیت در ایران مینویسد :

«از ایام بنو العباسی و دوره ابو مسلم خراسانی تا بحال ایرانیها يك مهارتی زاید الوصف در کار دعوت داشته‌اند، آیا نمی‌شود در این دور اخیر، داعیان مستعد و مخلص و متدین به اطراف ایران بروند و اطفاء میزان اختلاف و اعلام مصائب استیلای اجنائب و لزوم وحدت نیت و وحدت کلام و اطاعت روسای روحانی قوم بکنند تا مردم بفهمند که در این ایام پر خطر کسیکه راهزنی یا دزدی بکند یا باعث نفاق فیما بین قبیلتین یا فریقین شود یا سبب اغتشاش گردد یا امتناع از ادای مالیات بنماید و امثال ذلك حقیقتاً بمشابه دشمن وطن خود است و سزاوار اخراج و ابعاد از زمره عباد می‌شود .. الخ»

مرگ علم کلام و علم لغت در يك روز اتفاق افتاده است:

ابوهاشم عبدالسلام سلالة آبان از علمای علم کلام بود در سنه ۳۲۱ هجری در بغداد بمرد و در همان روز **ابوبکر بن محمد بن درید لغوی** هم وفات یافت، مردم عراق گفتند: الیوم مات اللغة و الکلام، یعنی علم لغت و فن کلام امروز بمرد. ابوهاشم که فرقه بهشمیه را ایجاد کرده، عقیده دارد که «کلام الله عبارت است از اصوات مقطوعه و حروف منظومه، چون اصوات و حروف حادث باشند و ذات واجب محل حوادث نیست، پس معنی اینکه گوئیم «خدای سبحانه متکلم است، آنست که در اجسام ایجاد کلام فرماید نه آنکه کلام بذات وی قیام نماید...»

در زمانهای خیلی بعد مولوی گفته‌است :

هر که گوید حق نگفته کافر است گرچه قرآن از لب پیغمبرست

دنباله دارد